

نقش ژئوپلیتیک اوکراین در تقابل نوین آمریکا و روسیه

حمید درج* - دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

دکتر سید محمد طباطبایی - دانشیار روابط بین الملل دانشگاه علامه طباطبائی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۷/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۰۴

چکیده

بحران اوکراین یکی از تقابلات مهم ژئوپلیتیک میان آمریکا و روسیه محسوب می‌شود. روسیه بر این باور است که واشنگتن با نقش آفرینی در تحولات اوکراین و نادیده انگاشتن منافع و امنیت ملی کرملین، در راستای توسعه قلمروی نفوذ خود در حوزه ژئوپلیتیک اش گام بر می‌دارد. از طرفی واشنگتن به بهانه الحاق کریمه به روسیه و ادامه حمایت مسکو از مخالفان شرق اوکراین، بسته‌های تحریمی را علیه روسیه به اجرا درآورده است و در تلاش برای خارج کردن اوکراین از مدار نفوذ مسکو برآمده است. سؤال اصلی پژوهش این است که: اوکراین در تقابل نوین آمریکا و روسیه چه نقشی ایفاء می‌کند؟ مقاله حاضر به دنبال اثبات این فرضیه است که به لحاظ ژئوپلیتیک در صفحه شطرنج اوراسیایی، اوکراین به عنوان محور ژئوپلیتیک، ابزاری برای روسیه به منظور کسب جایگاه هژمونی جهانی بوده و برای آمریکا اهرمی برای محاصره و تقلیل روسیه به یک امپراطوری آسیایی می‌باشد. روش تحقیق در این مقاله بر اساس روش توصیفی - تحلیلی است.

واژه‌های کلیدی: بحران اوکراین، ترامپ، تسلیحات نظامی، ژئوپلیتیک، منافع ملی

* نویسنده عهده‌دار مکاتبات

۱. مقدمه

اوکراین در اوت سال ۱۹۹۱ پس از فروپاشی اتحاد شوروی به استقلال رسید و تا امروز فراز و نشیب‌های بسیاری را در طول سال‌های استقلال خود تجربه کرده است. در سال ۲۰۰۴، با روی دادن انقلاب نارنجی در اوکراین، گروه‌های غرب‌گرا در این کشور قدرت گرفتند که البته این انقلاب در نهایت با موفقیت همراه نبود. در سال ۲۰۱۴، بار دیگر اوکراین صحنه درگیری‌های بسیاری بود. بسیاری از ناظران علت و ریشه این تنش‌ها را مسائل داخلی و بافت قومیتی در این کشور می‌دانند. برخی دیگر اوکراین را صحنه رویارویی قدرت‌های فرامنطقه‌ای مانند ایالات-متحده و اتحادیه اروپا با روسیه می‌دانند و حتی در برخی موارد از این درگیری‌ها به «جنگ سرد نوین» تعبیر می‌شود. در این میان، نقش ایالات متحده و روسیه در این تنش‌ها مهم بوده است. نقطه اوج بحران که در عمل جنبه‌ای بین‌المللی به آن بخشید، اقدام روسیه در پیوستن شبه‌جزیره کریمه به خاک خود بود که با واکنش شدید کشورهای غربی، به ویژه آمریکا مواجه شد و تحریم‌های قابل توجهی را نیز علیه روسیه سبب شد. اوکراین از بابت راه داشتن به دریا و از بابت این که درست چسبیده به بزرگترین نیروی دریایی روسیه، برای آمریکا حائز اهمیت است. مضاف بر اینکه اوکراین می‌تواند منطقه‌ای حائل بین حوزه نفوذ روسیه و اروپا و غرب باشد و به همین خاطر بسیار مورد توجه آمریکا و اروپا و روسیه قرار گرفته است. آنچه در این مناسبات پیچیده اهمیت دارد، وابستگی اوکراین و نیز اروپا به انرژی روسیه است. روسیه ۳۰ درصد از نیازهای انرژی اتحادیه اروپا را تأمین می‌کند و این اتحادیه برای کاهش وابستگی به دنبال راه‌های جایگزینی از جمله آمریکا است. از نگاه آمریکا اگرچه روسیه امروز به اندازه اتحاد جماهیر شوروی و روسیه تزاری قدرتمند نیست، اما از پتانسیل‌های لازم برای ممانعت از تحقق منافع آمریکا در این هارتلند ژئوپلیتیک برخوردار است؛ بنابراین تلاش برای انزوای روسیه در مرزهای خود بهترین راه برای ضربه زدن به مسکو است. از این رو، غرب و به ویژه آمریکا به طور مداوم روسیه را به مداخله در شرق اوکراین متهم می‌کند و در همین راستا چندین دور تحریم‌هایی را علیه مسکو به بهانه پیوستن «کریمه» به روسیه بعد از برگزاری یک همه‌پرسی وضع کردند. دولت ترامپ اکنون هم‌راستا با کنگره آمریکا به تصویب بسته تحریمی علیه روسیه مبادرت کرده و این

اقدام ترامپ روابط روسیه و آمریکا را با سردی و تیرگی مواجه کرده است. پژوهش حاضر با تکیه بر نظریه ژئوپلیتیک شکل خواهد گرفت.

۲. روش تحقیق

پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده و از دید نوع پژوهش، بنیادی به شمار می‌رود. شیوه گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای است و از کتب، مجله‌ها و پایگاه‌های مختلف اینترنتی استفاده شده است.

۳. ادبیات و پیشینه پژوهش

در خصوص سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا نسبت به بحران اوکراین، تاکنون پژوهش‌های زیادی در این زمینه انجام گرفته است، در ادامه صرفاً به چند نمونه از آنها که ارتباط بیشتری با موضوع بحث پژوهش حاضر دارد، پرداخته می‌شود.

۱- وینسنت لورا مورلی^۱ در کتاب خود به نام «اوکراین: مسائل جاری و سیاست آمریکا»، به بررسی چگونگی شکل‌گیری بحران اوکراین و ریشه‌های آن پرداخته است. نویسنده اشتراکات فرهنگی و زبانی میان روسیه و اوکراین را از دلایل نفوذ سیاسی و اقتصادی روسیه در اوکراین می‌داند و پیوندهای مذهبی قوی بین روسیه و اوکراین از طریق کلیسای ارتدوکس شرقی را به همه یادآوری می‌کند. لورا مورلی در پایان تعهد آمریکا برای کمک به اوکراین جهت انجام اصلاحات، رشد اقتصادی و تأمین امنیت را مورد شناخت و بررسی قرار می‌دهد (Vincent L., 2017).

۲- میخال وزنیاک^۲ در مقاله‌ای تحت عنوان «بحران اوکراین و تغییر در سیاست خارجی آمریکا»، به بررسی تحولات سیاسی اوکراین و تأثیر آن بر روابط آمریکا و روسیه می‌پردازد. در این پژوهش آمده است روسیه به جهان نشان داده است که آماده است تا از اعمال زور برای جلوگیری از پیوستن جمهوری‌های سابق شوروی به سازمان‌های غربی استفاده کند. شش سال پیش،

1. Vincent L. Morelli

2. Michal Wozniak

گرجستان درگیر جنگ با روسیه بود، زیرا می‌خواست به ناتو بپیوندد. اوکراین نیز از سال ۲۰۱۴ درگیر جنگ با روسیه است، زیرا می‌خواهد به اتحادیه اروپا بپیوندد. حوادث اوکراین، آمریکا را وادار کرد اروپای شرقی و مرکزی را با دقت بیشتری زیر نظر بگیرد. این منطقه از زمان پایان جنگ سرد دوباره مهم شد و توجه آمریکا را به خود جلب کرد (Wozniak, 2017).

۳- انگریدا آنیکاite - جاکونتویسینی و ریتا متروکیته^۱ در مقاله‌ای با نام «بازتاب بحران اوکراین در سخنان رهبران سیاسی آمریکا و روسیه»، به تحلیل سخنرانی‌های رهبران سیاسی آمریکا و روسیه در مورد بازتاب بحران اوکراین می‌پردازند. تحلیل سخنرانی‌ها در دوره زمانی بین ۲۱ نوامبر ۲۰۱۳ تا ژوئیه ۲۰۱۵ صورت گرفته است. علت انتخاب سخنان سیاستمداران عالی‌رتبه این است که این سخنان در شکل‌گیری سیاست‌های خارجی تاثیرگذار هستند و اکثر سخنرانی‌های مربوط به بحران توسط این سیاستمداران ایراد شده است. نویسندگان این پژوهش بیان می‌دارند آمریکا و اتحادیه اروپا در حال حل این بحران عمدتاً از طریق شیوه‌های دیپلماتیک هستند. روسیه هنوز تهاجم خود به اوکراین را تایید نکرده است، هرچند واقعیت چیز دیگری است (Unikaite- & Jakuntaviciene & Matulkaite, 2017).

۴- حسین دهشیار در مقاله خود تحت عنوان «ریشه‌های رویارویی آمریکا و روسیه در بحران اوکراین»، که در فصلنامه سیاست جهانی به چاپ رسانده است، تأکید رهبران روسیه بر اهمیت پیشینه تاریخی روابط با اوکراین و نقش الزامات ژئوپلیتیک در جایگاه جهانی روسیه و از طرفی تلاش واشنگتن برای مهار نفوذ و قدرت مانور مسکو در اروپا از طریق دور ساختن اوکراین از مدار روسیه را برجسته‌ترین عوامل رویارویی دو کشور در اوکراین دانسته است (Dehshiar, 2014).

۵- سید جلال‌الدین دهقانی فیروزآبادی و منوچهر مرادی در مقاله‌ای با عنوان «تهدید غرب، برداشت روسیه و بحران اوکراین»، در پی فهم رفتار روسیه در بحران اوکراین با استفاده از تئوری موازنه‌تهدید می‌باشند. آن‌ها برداشت روسیه از تهدید غرب را بر اساس برنامه‌ها و اقدامات

1. Ingrida Unikaite-Jakuntaviciene and Rita Matulkaite

آمریکا و اتحادیه اروپا مبنی بر گسترش ناتو، گسترش اتحادیه اروپا و برنامه پیشبرد دموکراسی و اشاعه ارزش‌های غربی می‌دانند. نویسندگان مقاله، تشدید روس‌هراسی، خارج کردن اوکراین از حیطه نفوذ روسیه و تسریع در روند الحاق اوکراین به ساختارهای سیاسی، امنیتی و اقتصادی غرب را از مهمترین اهداف مداخله خود در اوکراین می‌دانند (Dehghani Fezirozabadi & Moradi, 2016).

۶- محمد نونزاد و مرتضی کریمی در مقاله «تقابل روسیه و آمریکا در اوکراین و تأثیر آن بر منافع ملی ایران»، معتقدند: آمریکا با هدف برقراری هژمونی خود در صدد غربی‌سازی اوکراین و مقابله با نفوذ سنتی روسیه در این کشور است. آن‌ها ریشه پیدایش بحران ۲۰۱۴ اوکراین را در انقلاب نارنجی ۲۰۰۴ جستجو می‌کنند که با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی این کشور به یک بحران بین-المللی تبدیل شد. در این پژوهش آمده است که اوکراین در محیط منطقه‌ای ایران قرار نمی‌گیرد؛ لذا بیشتر در پرتو رقابت آمریکا و روسیه بر سر اوکراین است که منافع ایران تحت تأثیر قرار می‌گیرد، بطوریکه وقوع بحران اوکراین باعث تقویت روابط مسکو-تهران شد (Nownezhad & Karimi, 2017).

نوآوری مقاله حاضر بر این اساس است که عمده پژوهش‌های انجام شده بیشتر با رویکردی هویتی و ایدئولوژیک محور به تقابل آمریکا و روسیه در صحنه تحولات اوکراین پرداخته است؛ در حالی که این پژوهش در تلاش است با نگاهی ژئوپلیتیکی و عملگرایانه به بررسی ابعاد و رویکردهای سیاست خارجی دو کشور در خصوص بحران اوکراین بپردازد.

۴. چارچوب نظری: نظریه ژئوپلیتیک

ژئوپلیتیک از جمله اصطلاحات رایج در مباحث سیاسی است که کاربرد بسیاری دارد، اما معانی و تعاریف متنوعی را در بر می‌گیرد. ژئوپلیتیک که معادل فارسی آن «سیاست جغرافیایی» است، دیدگاهی است برای سیاست بین‌الملل که سعی دارد تا رفتارهای سیاسی را برحسب محیط طبیعی توضیح دهد (Plano & Olton, 1998:98). هرچند رودلف کیلن، مبدع واژه ژئوپلیتیک در ۱۸۹۹ بود و آن را به رابطه سیاست با جغرافیای طبیعی اطلاق می‌کرد، اما ریشه این بحث به

سالیان پیش از او باز می‌گردد و بر همین اساس، برخی آلفرد ماهان و عده‌ای دیگر سیلاک ایرانی در دوره باستان را پیشگام علم ژئوپلیتیک دانسته‌اند (Islami & shamsabadi, 2018: 68). کارل هاوس هوفر^۱، بنیانگذار مکتب آلمانی ژئوپلیتیک می‌گوید: «ژئوپلیتیک تحقیق در خصوص رابطه میان زمین و سیاست است» (Dandadish, 2007: 78). لورو و توال، ژئوپلیتیک را "روش ویژه‌ای" می‌دانند که پدیده‌های بحرانی را کشف و تحلیل می‌کند و راهبردهای تهاجمی یا دفاعی را بر سر یک محدوده ارضی از نقطه نظر محیط جغرافیایی انسانی و طبیعی تعریف می‌کند (Hafeznia, 2005: 13).

پیتر تایلر^۲ جغرافیدان سیاسی مشهور انگلیسی در تعریفی دیگر می‌گوید: «ژئوپلیتیک علم مبتنی بر مطالعه توزیع جغرافیایی قدرت بین کشورهای جهان، به خصوص رقابت بین قدرت‌های بزرگ و اصلی است» (Taylor, 1993: 330). در یک تعریف کلی می‌توان تصریح کرد؛ ژئوپلیتیک و مباحث مرتبط با آن در واقع علمی است که به بررسی تأثیر عوامل جغرافیایی بر سیاست‌های دگرگون‌شونده جهانی می‌پردازد (Mojtahedzadeh, 2004: 124). بر اساس این تعاریف، ژئوپلیتیک اموری مانند ساختار و کارکرد قدرت، همگرایی و واگرایی، تصمیم‌گیری، بحران، حوزه نفوذ، نزاع، سلطه، صلح و همکاری، منابع و محیط‌زیست، منافع ملی، فضا، قدرت ملی، امنیت و ثبات ملی، روابط فضایی، توسعه و رفاه و جهان‌گرایی و نظایر آن که جملگی مفاهیم کلی و پایدار هستند را شامل می‌شود (Hafeznia, 2014: 39). به عبارتی ژئوپلیتیک مفهومی ترکیبی است که در آن سه عنصر اصلی جغرافیا، قدرت و سیاست خصلتی ذاتی دارند. در واقع مسائل، موضوعات و پدیده‌های مورد توجه ژئوپلیتیک به گونه‌ای با این سه عنصر ارتباط پیدا می‌نمایند (Hafeznia, 2000: 84-85). در واقع اوکراین مهمترین کشور واقع در اروپای شرقی در ابعاد ژئوپلیتیک و اقتصادی است. به همین دلیل این کشور بیش از سایر دولت‌های موجود در این منطقه در مدار توجه منافع قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نظیر روسیه، اتحادیه اروپا و آمریکا قرار دارد. به این ترتیب، فرآیند شکل‌گیری و گسترش

1. Karl Haushofer
2. Peter Tyler

بحران اوکراین در شبه جزیره کریمه در زمره رقابت‌های ژئوپلیتیکی قدرت‌های بزرگ برای نیل به مازاد قدرت منطقه‌ای و دستیابی به «هژمونی منطقه‌ای» محسوب می‌شود. در این راستا باید گفت؛ دولت ترامپ در مناقشه اوکراین با روسیه به حمایت همه‌جانبه از مقامات کی‌یف پرداخته و در راستای تأمین اهداف و منافع واشنگتن و متحدان منطقه‌ای در تلاش برای جذب اوکراین در ترتیبات سیاسی و امنیتی غرب برآمده است.

۵. اهمیت راهبردی اوکراین برای آمریکا

کشور اوکراین ۶۰۳۷۰۰ کیلومتر مربع وسعت دارد که از شمال به بلاروس، از شرق و شمال شرقی به روسیه، از جنوب غربی به مجارستان، رومانی و مولداوی و از غرب به لهستان و اسلواکی محدود می‌شود (Green book of Ukraine, 2009:1). به این ترتیب اوکراین مرز میان کشورهای اروپایی با قاره آسیا از طریق مرزهای جنوبی و شرقی می‌باشد. این موقعیت از یک طرف و حاصلخیزی و قرارگرفتن آن در کنار راه آبی تجاری دریای سیاه از طرف دیگر به آن کشور وضعیت استراتژیک خاصی داده است. این موقعیت مکانی، اوکراین را به کشوری با مزیت ژئوپلیتیک نیز تبدیل نموده است؛ زیرا از راه خشکی محل دسترسی به اروپای شرقی و از راه آبی محل دسترسی به دریای سیاه به حساب می‌آید (Green book of Ukraine: 31).

از منظر ژئوپلیتیک اهمیت اوکراین به حدی است که برژینسکی از آن به عنوان «قطار سیاست منطقه‌ای پس از گسترش» اتحادیه اروپا یاد می‌کند (Brzezinski, 1997: 23). قرار گرفتن اوکراین در مسیر اتصال اروپا و روسیه و قرار گرفتن در مسیر انتقال انرژی روسیه به اروپا، موقعیت ژئوپلیتیک این کشور به سبب مشرف بودن به دریای سیاه و همچنین در اختیار داشتن سواحل با ارزش شبه‌جزیره کریمه و ویژگی‌های اقتصادی چون معادن غنی، جمعیت زیاد، اراضی وسیع و پتانسیل بالای صنعتی از جمله فاکتورهایی است که اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک این کشور را برای قدرت‌های بزرگ بالا برده است (Yazdani and others: 2016: 277). در سال 1991 و پس از استقلال اوکراین، ایالات متحده آمریکا تلاش زیادی را برای برقراری ارتباط نزدیک با این کشور انجام داد. از جمله دلایل تعامل فعال ایالات متحده آمریکا با اوکراین در سال‌های اولیه، نیاز به مکانیسم‌های مناسب و قابل اعتماد برای همکاری با دولت جدید بود که

در یک منطقه استراتژیک قرار گرفته بود. "اوکراین بشکه باروتی بود که حدوداً 40 درصد از تجهیزات نظامی اتحادیه شوروی را به ارث برده بود. از لحاظ تعداد حدود ۱۹۴۴ کلاهک استراتژیک هسته‌ای، ۲۵۰۰ سلاح هسته‌ای تاکتیکی و ۲۲۰ حامل‌های استراتژیک هسته‌ای از جمله ۱۷۶ موشک بالستیک قاره‌پیما، ۴۴ بمب افکن استراتژیک (Tu-95, Tu160)، ۶۵۰۰ نیروی متعارف، بیش از ۷۰۰۰ وسیله نقلیه جنگی، ۱۵۰۰ هواپیمای جنگی، ۲۷۰ بالگرد و ۳۵۰ کشتی جنگی داشت" (Savchenko, 2007: 31-32). اوکراین برای آمریکا از لحاظ اقتصادی و ژئوپلیتیکی حائز اهمیت است، زیرا دومین کشور پهناور در اروپاست و از لحاظ جغرافیایی در مجاورت روسیه قرار دارد. بنابراین، نفوذ ایالات متحده در اوکراین نه تنها از لحاظ اقتصادی می‌تواند بازاری گسترده برای کالاهای آمریکایی باشد، بلکه به منزله پیشروی به سوی مرزهای روسیه است. بر این اساس، آمریکا در راستای سیاست سنتی خود مبنی بر رقابت ژئوپلیتیک با روسیه و گسترش نفوذ در کشورهای استقلال‌یافته از شوروی، اوکراین را عرصه مناسبی برای بسط حضور خود در خارج نزدیک روسیه تلقی می‌کند (Shoib, 2015: 55-56).



نقشه ۱: موقعیت جغرافیایی اوکراین

(Welt, 2017: 13)

در بحث از اهمیت اوکراین برای ایالات متحده، توجه به دیدگاه برژینسکی و موارد مطرح شده توسط وی درباره محورهای ژئوپلیتیکی در منطقه اوراسیا، به شکل مناسبی روشن‌کننده موضوع

خواهد بود. از دیدگاه برژینسکی^۱، اوکراین یکی از محورهای ژئوپلیتیک در منطقه است. به بیان وی، اوکراین یک فضای مهم و جدید در «صفحه شطرنج اوراسیایی» است و از آن جهت یک محور ژئوپلیتیک محسوب می‌شود که حیات آن به عنوان یک دولت مستقل، سبب تغییر ماهیت روسیه می‌شود. روسیه بدون اوکراین می‌تواند همچنان برای کسب جایگاه امپراطوری در تلاش باشد؛ اما در بهترین حالت، یک امپراطوری، بیشتر آسیایی خواهد بود که برای رسیدن به آن نیز باید با چین که مخالف گسترش دوباره قدرت روسیه در آسیای مرکزی است، به رقابت بپردازد. اما در صورتی که روسیه بتواند بار دیگر بر اوکراین تسلط پیدا کند، به صورت خودکار به یک دولت قدرتمند امپراطوری تبدیل خواهد شد که بخش مهمی از اروپا و آسیا را در کنترل دارد. این رویداد بر اروپای مرکزی تأثیرات فوری خواهد داشت و لهستان را به یک محور ژئوپلیتیک در جبهه شرقی اروپای واحد تبدیل می‌کند (Brzezinski, 1997: 25). بنابراین، می‌توان دریافت که اهمیت اوکراین برای آمریکا، اهمیتی ژئوپلیتیک است که با برنامه‌های این کشور برای تثبیت و استمرار هژمونی جهانی خود ارتباط دارد. در همین راستا و پیش از هر چیز، آمریکا پیوندهای خود با اوکراین را در راستای محدود کردن فضای ظهور دوباره روسیه به عنوان یک قدرت بزرگ در عرصه جهانی تعریف می‌کند. اهمیت اوکراین برای آمریکا از آن جهت است که اهرمی برای تضعیف روسیه محسوب می‌شود. آمریکا برای تحقق نظم جهانی خود و محدود نمودن روسیه در درون مرزهای خویش، تلاش می‌کند تا در راستای گسترش ناتو به شرق و نفوذ در حیات خلوت روسیه، مناطق استراتژیک این کشور را در اختیار خود داشته باشد. زیرا زمانی که دو ابرقدرت در حال رقابت هستند، یکی از ابزارهای مهم، دسترسی به مناطق راهبردی است. بنابراین اهمیت اوکراین برای آمریکا را باید در سطح کلان رقابت‌های راهبردی بین روسیه و آمریکا دانست (Torabi & Kiani: 2014: 18)، که در راستای تأمین و تضمین اهداف و منافع واشنگتن و هم‌پیمانان منطقه‌ای آن با هدف حفظ و تثبیت موازنه قوا گام بر می‌دارد.

۶. رویکرد نوین ایالات متحده آمریکا در قبال بحران اوکراین

بدون تردید ایالات متحده آمریکا، یکی از کنشگرهای مقابل روسیه در بحران اوکراین محسوب

می‌شود. آمریکا به دنبال محاصره ژئوپلیتیکی روسیه از طریق محدود کردن قلمروهای ژئوپلیتیکی این کشور است. برای پیشبرد این هدف یکی از مهم‌ترین گزینه‌ها اوکراین است Keremzadi (and Khansari-Fard, 2014: 149). آمریکا روابط دیپلماتیک با اوکراین را در سال ۱۹۹۱، پس از استقلال اوکراین از اتحاد جماهیر شوروی برقرار کرد. منشور آمریکا و اوکراین در مورد مشارکت استراتژیک اهمیت روابط دوجانبه را مورد تأکید قرار می‌دهد و همکاری‌های پیشرفته در زمینه‌های دفاع، امنیت، اقتصاد و تجارت، امنیت انرژی، دموکراسی و مبادلات فرهنگی را مشخص می‌کند. همچنین بر تعهد مداوم آمریکا برای حمایت از تعامل بیشتر بین اوکراین و اتحادیه اروپا و ناتو تأکید دارد (Morelli, 2017: 36). همان‌گونه که آمریکا در انقلاب رنگی اوکراین در سال ۲۰۰۴، به عنوان حامی جناح ضدروس، توانست دولتی حامی غرب و مخالفان با مسکو را به قدرت برساند، در تحولات سال ۲۰۱۴ اوکراین نیز بعد از حضور فعال روسیه، به صراحت از آشوب در این کشور و براندازی دولت قانونی یاناکوویچ حمایت کرد. از نظر آمریکایی‌ها، تحولات اوکراین گامی جهت تکامل انقلاب رنگی سال ۲۰۰۴، به شمار می‌آید (Woehrel, 2015: 14). به گزارش آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده، از زمان شروع بحران در اواخر سال ۲۰۱۳، دولت آمریکا بیش از ۱٫۳ میلیارد دلار در قالب کمک‌های خارجی برای اصلاحات، تقویت نهادهای دموکراتیک و جامعه مدنی، اشتغال و رشد اقتصادی و تأمین امنیت مرزها و حفظ تمامیت ارضی خود در اختیار اوکراین قرار داده است. این مبلغ بالغ بر ۱۳۵ میلیون دلار کمک‌های بشردوستانه است که از طریق سازمان ملل و سه ضمانت‌نامه وام ۱ میلیارد دلاری ارائه شده است (Morelli, 2017: 43).

پس از فروپاشی شوروی طولی نکشید روسیه با یک تهدید فوری روبرو شد. خلأ قدرت در سال‌های اولیه پس از فروپاشی، برای برخی بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای این ادراک را ایجاد کرد که یک خلأ ژئوپلیتیکی در این منطقه به وجود آمده است. از همین رو، این بازیگران در پی نفوذ در منطقه برآمده‌اند (Ghaderi & Nosrati: 2012: 66). استفاده از اوکراین به وسیله آمریکا و متحدین برای در «جعبه قرار دادن» روسیه و به عبارت دیگر محاصره روسیه با توجه به باور روس‌ها به منطق ژئوپلیتیک قدرت، تشدید تنش‌های سیاسی در شرق اوکراین و الحاق شبه‌جزیره

استراتژیک کریمه مقر ناوگان دریایی دریای سیاه را گریزناپذیر ساخت. حس ناامنی که روس‌ها به جهت اقدام سوی دیگر گسل به آن گرفتار آمده‌اند، ولادیمیر پوتین^۱ را در مسیری سوق داد که با وجود پیامدهای منفی در روابط با غرب و به ویژه آمریکا و بر خلاف مفاد «یادداشت بوداپست»^۲ به نقض واضح و آشکار حاکمیت اوکراین دست بزنند. بر اساس مفاد این یادداشت که در سال ۱۹۹۴ به امضای کشورهای روسیه، آمریکا و انگلستان رسید، این سه کشور متعهد شدند که در قبال واگذاری تمام سلاح‌های هسته‌ای به وسیله اوکراین، موظف می‌گردند که «استقلال و حاکمیت» اوکراین را تضمین کنند (Dehshiar, 2014: 178-179). وقتی که دونالد ترامپ در ژانویه ۲۰۱۷ سوگند یاد کرد، ناآرامی گسترده‌ای در کی‌یف احساس شد. بیشتر تحلیلگران در مورد چشم‌انداز روابط ایالات متحده و اوکراین بسیار نگران بوده‌اند و بسیاری از صاحب‌نظران نیز پیش‌بینی می‌کردند که اوکراین اولین قربانی سیاست خارجی بلندپروازانه دولت ترامپ خواهد بود. در آن زمان، این پیش‌بینی‌های وحشتناک کاملاً منطقی به نظر می‌رسید (Dickinson, 2018:1). اتخاذ مواضع دوستانه دولت ترامپ پیرامون اوکراین در تغییرات پرسنلی که در طول سال گذشته معرفی شده آشکارا نمایان است. انتخاب کورت والکر^۳ به عنوان نماینده ویژه وزارت امور خارجه آمریکا در امور اوکراین شاید مهمترین نشانه چنین موضعی باشد. والکر اکنون با صراحت به گفتگو در مورد جنگ در اوکراین روی آورده است و مستقیماً مسکو را مسئول فرماندهی و کنترل گروه جمهوری خواهانی که به اصطلاح جدایی طلب خوانده می‌شوند، قلمداد می‌کند (Dickinson, 2018:1-2). در این راستا باید گفت؛ با توجه به تأکید کورت والکر بر حفظ تمامیت ارضی و حاکمیت ملی اوکراین و نیز مخالفت با تصرف شبه جزیره کریمه توسط روسیه، لذا انتخاب والکر به عنوان نماینده وزارت خارجه آمریکا در امور اوکراین، می‌تواند دلیلی بر رویکرد حمایتی و اعلام همبستگی دولت ترامپ نسبت به دولت غرب‌گرای اوکراین باشد. با توجه به این‌که اکثر رهبران غربی همچنان تاثیرگذاری نگرانی‌های امنیتی بر رفتار پوتین را رد می‌کنند، اما جای تعجب نیست که آنها تلاش کرده‌اند این دیدگاه را بر اساس

1. Vladimir Putin
2. Budapest Memoir
3. Kurt Walker

سیاست‌های جاری خود تعدیل نمایند و روسیه را برای جلوگیری از تجاوزات بیشتر مجازات کرده‌اند. اگرچه جان کری، وزیر امور خارجه سابق آمریکا، معتقد است که "تمام گزینه‌ها بر روی میز است"، اما آمریکا و کشورهای عضو ناتو هیچ کدام آمادگی اعمال فشار برای دفاع از اوکراین را ندارند. غرب به جای آن از تحریم‌های اقتصادی برای وادار کردن روسیه جهت پایان دادن به حمایت خود از قیام در شرق اوکراین استفاده می‌کند (Mearsheimer, 2014: 3). هم‌اکنون بخش عمده‌ای از سناتورهای دو حزب جمهوریخواه و دموکرات با انتقاد از روسیه در شعله‌ور ساختن آتش درگیری‌ها در اوکراین بر لزوم تداوم تحریم‌ها علیه اوکراین و انجام حمایت‌های مؤثر نظامی و اقتصادی به دولت اوکراین تاکید دارند. جان مک‌کین^۱ از سناتورهای ذی‌نفوذ جمهوریخواهان در کنگره آمریکا پیشنهاد ارسال سلاح‌های مرگبار به اوکراین را به ترامپ داده است. مک‌کین با انتقاد از رفتار تهاجمی روسیه، تنها راه مقابله با این کشور را تقویت قدرت نظامی اوکراین و تجهیز کامل این کشور می‌داند (Etelaat Newspaper, 2017: 2). از سوی دیگر، آمریکا بخش اعظم همکاری‌های دوجانبه خود با روسیه را متوقف کرد. در تاریخ ۲ آوریل ۲۰۱۴ دولت آمریکا اعلام کرد که برخی از پروژه‌های تحت نظارت کمیسیون دو جانبه ریاست جمهوری آمریکا و روسیه و همچنین برخی فعالیت‌های مشترک جهت اجرای قوانین را متوقف کرده و قصد دارد از این بودجه‌ها و منابع مالی برای کمک به اوکراین استفاده کند. آمریکا همچنین محدودیت‌های بیشتری را در زمینه صادرات محصولات دفاعی به روسیه اعمال کرده است. در ماه مارس سال ۲۰۱۴، دولت آمریکا دستورالعمل اجرایی ممنوعیت صدور ویزا و مسدود کردن دارایی‌های افرادی را که بر خلاف فرآیندها و نهادهای دموکراتیک در اوکراین فعالیت می‌نمایند و صلح، امنیت، ثبات، حاکمیت و تمامیت ارضی این کشور را به خطر می‌اندازند و در دسترسی به دارایی‌های این کشور نقش دارند، صادر کرد (Morelli, 2017: 26).

در تاریخ ۱ سپتامبر ۲۰۱۶، اداره کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری آمریکا، فهرست افراد و تحریم‌ها علیه بخش‌های مختلف مربوط به درگیری‌ها در اوکراین را بروزرسانی کرد. در تحریم‌های جدید، نام ۳۷ نفر از اشخاص حقیقی، ۱۱ نفر از مقامات کریمه، چندین شرکت

وابسته به غول صنعت گاز روسیه یعنی گازپروم و ۱۸ شرکت فعال در کریمه، از جمله تعدادی از شرکت‌های تولید تجهیزات دفاعی و کشتی‌سازی دیده می‌شود. در ماه دسامبر ۲۰۱۶، دولت آمریکا ۱۵ نفر از افراد و شرکت‌های روسی را به خاطر فعالیت‌های تجاری در کریمه و اوکراین به لیست سیاه تحریم‌ها اضافه کرد (Morelli, 2017: 34). این تحریم‌ها که با کاهش شدید قیمت نفت همراه بوده‌اند هزینه‌های گزافی را به روسیه تحمیل کرده‌اند. دولت ترامپ گفته است که تحریم‌های مسکو مادامی که روسیه در شرق اوکراین وجود دارد، پابرجا هستند (Blinken, 2017: 3). در این راستا، پترو پوروشنکو^۱ رئیس جمهوری اوکراین، اقدام آمریکا را برای تصویب تحریم‌های جدید علیه روسیه تحسین کرده است. پوروشنکو در اواسط آوریل ۲۰۱۷ از دونالد ترامپ همتای آمریکایی خود درخواست کرد تا تحریم‌های اعمال شده علیه روسیه همچنان باقی بماند. از نگاه مقامات اوکراینی، مسکو فقط زبان فشار و زور را می‌فهمد و برای تغییر موضع و قطع حمایت از مخالفان شرق اوکراین باید سیاست تحریم‌ها علیه روسیه، نه فقط کاهش نیابد، بلکه باید افزایش پیدا کند (Mir-Taher, 2017: 1). دولت ترامپ ۲۲ دسامبر ۲۰۱۷ اجازه تحویل تسلیحات سنگین به اوکراین را صادر کرد، امری که از مدت‌ها پیش در حالت تعلیق بود. آمریکا پیش از این ضمن آموزش نظامیان اوکراینی، برخی تسلیحات نظامی در اختیار این کشور گذاشته و به شرکت‌های آمریکایی نیز اجازه داده که سلاح سبک به اوکراین بفروشند. اما اکنون اقدام واشنگتن در تحویل تسلیحات سنگین‌تر به اوکراین از عزم آمریکا برای مداخله در جنگ داخلی اوکراین حکایت دارد (Taadol Newspaper, 2017: 2).

قرارداد فروش اسلحه بین دولت آمریکا و اوکراین، که نخستین بار توسط واشنگتن پست در ۲۰ دسامبر ۲۰۱۷ منتشر شد، در حدود ۴۱,۵ میلیون دلار ارزش دارد و به نظر می‌رسد شامل سیستم‌های تک‌تیرانداز مدل M107A1، مهمات، قطعات و تجهیزات مرتبط باشد. این نشان‌دهنده بزرگترین قرارداد فروش تجاری سلاح‌های دفاعی ایالات متحده با اوکراین از سال ۲۰۱۴ تاکنون بوده است. در همان سال کنگره از طریق تصویب قانون "حمایت از آزادی اوکراین" این قرارداد فروش را تأیید کرد (Haltiwanger, 2017: 4). فروش این نوع اسلحه می‌تواند چشم‌انداز مذاکرات

صلح را پیچیده‌تر ساخته و تلفات بیشتری را در جنگ که ادعا شده تاکنون جان بیش از ۱۰۳۰۰ تن را گرفته است، به وجود آورد (Luhn, 2017: 1). در این باره، باب کورکر^۱، رئیس کمیته روابط خارجی مجلس سنای ایالات متحده، گفت: "من خوشحال هستم که دولت فروش سلاح‌های مرگبار به اوکراین را تأیید کرد. این تصمیم در لایحه‌ای که سه سال پیش توسط کنگره به قانون تبدیل شده حمایت می‌شود و نشان‌دهنده تعهد بلندمدت کشور ما به اوکراین در برابر تجاوز روسیه است" (Bowden, 2017: 3). جیمز ماتیس^۲ وزیر دفاع آمریکا، در جریان سفر آگوست ۲۰۱۷ خود به اوکراین در کی‌یف اعلام کرد که واشنگتن قصد دارد روابط خویش با اوکراین را به سطح راهبردی ارتقاء دهد و این کار برای حمایت از صلح و ثبات در این کشور ضروری است. همچنین با وجود هشدارهای مکرر روسیه برای خودداری واشنگتن از تحویل تسلیحات به دولت غرب‌گرای کی‌یف به منظور فراهم شدن شرایط لازم برای پایان دادن به بحران شرق اوکراین، جیمز ماتیس از برنامه تحویل ۱۷۵ میلیون دلار تسلیحات رایگان به کی‌یف خبر داد و مدعی شد که این جنگ‌افزارها، توانمندی‌های دفاعی اوکراین را تقویت خواهد کرد. به گفته وی، تحویل پهپاد به ارتش اوکراین نیز در واشنگتن در حال بررسی است. پترو پوروشنکو^۳ نیز تأکید کرد که با وزیر دفاع آمریکا مسئله گسترش همکاری‌های نظامی و فنی دو کشور را بررسی کرده است. پنتاگون در مرداد ۱۳۹۶ با ارائه طرحی به کاخ سفید توصیه کرده بود تا محموله‌ای تسلیحاتی به ارزش ۵۰ میلیون دلار را در اختیار اوکراین قرار دهد. در همان زمان در گزارش‌ها آمده بود که این محموله از جمله موشک‌های ضدتانک را نیز شامل می‌شود (Mir-Taher, 2017: 1). در این راستا باید گفت؛ واشنگتن با انعقاد قراردادهای تسلیحاتی با اوکراین دست به فروش سلاح‌های غربی به کی‌یف زده است که این اقدام واشنگتن ضمن تشدید رقابت‌های تسلیحاتی در شرق اروپا باعث تقویت هژمونی نظامی آمریکا در منطقه و کنترل ژئوپلیتیکی برای کاخ سفید خواهد شد. واشنگتن قصد دارد با فروش این تسلیحات ضمن رونق بخشیدن به کارخانجات اسلحه‌سازی غرب همچنان نفوذ خود را در منطقه شرق آسیا حفظ نماید.

1. Bob Corker
2. James Mattis
3. Petro Poroshenko

بنابراین، واشنگتن از ابزارهای متنوعی برای اعمال فشار بر مسکو بهره می‌برد تا ضمن ممانعت از قرار گرفتن اوکراین در حلقه نفوذ کرملین، به محاصره ژئوپلیتیکی و تضعیف روسیه مبادرت ورزد و از این طریق به اهداف و منافع راهبردی خود دسترسی پیدا کند (Mearsheimer, 2014: 4). این در حالی است که مسکو معتقد است که تجهیز اوکراین به سلاح‌های مرگبار باعث گسترش ثبات در این کشور نمی‌شود. اقدامات متعدد آمریکا برای افزایش کمک‌های نظامی و تسلیحاتی به اوکراین در چارچوب افزایش نفوذ در این کشور مهم شرق اروپا و نیز به مثابه اقدامی برای کاهش نفوذ روسیه در حوزه خارج نزدیک این کشور محسوب می‌شود. با روی کار آمدن یک دولت غرب‌گرا در کی‌یف در سال ۲۰۱۴، مقامات جدید اوکراین خواهان ادغام در نهادهای غربی بویژه ناتو و اتحادیه اروپا شده‌اند (Yousefi Saraf, 2017: 2). در این میان باید گفت؛ در صورت پیوستن اوکراین به اتحادیه اروپا و ناتو مرزهای جبهه غربی با مرزهای جغرافیایی روسیه منطبق خواهد شد و این از نظر استراتژی دفاعی روسیه که بر پایه داشتن عمق استراتژیک استوار است یک تهدید به حساب می‌آید. کورت والکر در بازدید از شهرک صنعتی آودیفکا^۱ در اوایل سال ۲۰۱۷ شرایط حاکم در شرق اوکراین را "جنگ گرم" نامید. والکر مذاکراتی با مقامات اوکراینی و اروپایی و همچنین با ولادیسلاو سورکوف^۲، مشاور ارشد رئیس-جمهور روسیه، برای دستیابی به توافق آتش‌بس طولانی مدت انجام داد. او از روسیه درخواست کرده است که نیروهای خود را از منطقه دونتسک بیرون کشیده و از حمایت نظامی از جدایی-طلبان دونتسک^۳ و تجزیه‌طلب‌های لوگانسک^۴ در منطقه جدایی‌طلب دونباس^۵ صرف‌نظر کند و با نیروهای حافظ صلح بین‌المللی همکاری کند. والکر در پایان مذاکرات ۱۹ دسامبر ۲۰۱۷ در شورای آتلانتیک چنین گفته است: "اگر روسیه نیروهای خود را در شرق اوکراین بیرون بکشد و حمایت از جنگ‌های نیابتی خود را متوقف سازد، آنگاه صلح در این منطقه حاکم خواهد شد" (Financial Times, 2017: 14). با این حال، آمریکا و متحدانش علاقه زیادی به توقف خشونت

1. Awdyfka
2. Vladislav Sorkov
3. Donetsk
4. Luhansk
5. Donbass

در اوکراین و متوقف کردن اقدامات رفورمیستی روسیه دارند، تا روسیه نتواند اهداف خود را با هزینه پایین عملی سازد. هدف اصلی این رویکرد جلوگیری از شکست دولت اوکراین است؛ حمایت مالی و سیاسی برای تحکیم تحولات سیاسی اوکراین و افزایش ظرفیت این کشور برای مبارزه با شورشیان و حامیان روسی آن‌ها از جمله اهداف این رویکرد است. تأمین کمک مالی کافی (احتمالاً حداقل ۱۵ میلیارد دلار) برای جلوگیری از ورشکستگی مالی اوکراین و حمایت سیاسی از رهبری کنونی اوکراین برای انجام اصلاحات لازم مهمترین اقدام خواهد بود. در حالی که کمک‌های نظامی مخرب به اوکراین همچنان بسیار بحث‌برانگیز است، اما این گونه کمک‌ها برای خنثی‌سازی اثرات سلطه در حال گسترش روسیه، می‌تواند به اوکراینی‌ها امکان دهد تا هزینه‌های انسانی و مالی مداخلات مداوم روسیه در اوکراین را به طور چشمگیری افزایش دهند. با توجه به نگرانی‌های کرملین در زمینه تعهد قوی آمریکا و متحدانش برای تقویت ارتش اوکراین و در عین حال تشدید تحریم‌ها علیه مسکو نشان می‌دهد که در صورت اجتناب روسیه از ادامه مذاکرات با واشنگتن بر سر اوکراین فشارهای سیاسی و اقتصادی علیه مسکو افزایش خواهد یافت (Mankoff & Kuchins, 2015: 8).

رکس تیلرسون^۱، وزیر امور خارجه سابق آمریکا، در اجلاس سران سازمان امنیت و همکاری اروپا در دسامبر ۲۰۱۸ در وین اظهار داشت: "سلطه روسیه بر تمامیت ارضی و استقلال اوکراین مسأله‌ای است که هرگز مورد تأیید ما نخواهد بود و از همبستگی قوی شرکای اروپایی در حمایت از اوکراین به منظور بازگرداندن تمامیت ارضی و استقلال این کشور قدردانی می‌کنیم". از طرفی سرگئی لاوروف^۲، وزیر امور خارجه روسیه، اوکراین را به خاطر کارشکنی روند مذاکرات صلح مورد سرزنش قرار داده است. وی در سخنرانی خود در سازمان امنیت و همکاری اروپا گفت: "تمامی مسئولیت شکست مذاکرات برعهده مقامات اوکراین است" (Raphelson, 2018: 2). آمریکا و متحدان آن باید طرح خود برای غربی شدن اوکراین را متوقف کنند و در عوض این کشور را به سپری بی‌طرف بین ناتو و روسیه، شبیه به موقعیت اتریش در طول جنگ

1. Rex Tillerson
2. Sergey Lavrov

سرد تبدیل کنند. رهبران غربی باید بدانند که اوکراین برای پوتین آنقدر اهمیت دارد که آن‌ها نمی‌توانند از یک رژیم ضدروسی در آنجا حمایت کنند. این بدان معنا نیست که دولت آینده اوکراین باید طرفدار روسیه یا ضد غرب و ناتو باشد. برعکس، هدف باید یک اوکراین مستقل باشد که نه طرفدار روسیه و نه طرفدار غرب باشد. برای رسیدن به این هدف، آمریکا و متحدان آن باید عموماً از گسترش ناتو در گرجستان و اوکراین جلوگیری کنند. غرب همچنین باید یک طرح نجات اقتصادی برای اوکراین با تأمین مالی مشترک از سوی اتحادیه اروپا، صندوق بین‌المللی پول، روسیه و آمریکا طراحی کند. پیشنهادی که مسکو به خاطر منافع حاصل از داشتن یک اوکراین باثبات و پایدار در مرز غربی خود از آن استقبال می‌کند. همچنین غرب باید تلاش‌های خود در راستای مهندسی اجتماعی در داخل اوکراین را بطور قابل توجهی محدود سازد (Mearsheimer, 2014: 2) و منافع و امنیت ملی روسیه را در رابطه با تحولات اوکراین مدنظر قرار دهد.

۷. اقدامات و نقش روسیه در بحران اوکراین

بحرانی که از مارس ۲۰۱۴ در اوکراین اوج گرفت و به ضمیمه شدن شبه‌جزیره کریمه به خاک روسیه و نبردهای جدایی طلبانه متداوم در شرق اوکراین گسترش یافت را نمی‌توان بدون درک پیچیدگی‌های سیاست خارجی روسیه و نگاه این کشور به قلمرو شوروی سابق که «خارج نزدیک» خود می‌داند و نیز بدون تحلیل برداشت مسکو از انگیزه‌های قدرت‌های غربی از حضور در مجاورت جانشین ابرقدرت پیشین شرق، ارزیابی نمود. اوکراین برای مسکو اهمیت استراتژیک دارد، چون این کشور هم به عنوان یک منطقه حائل میان روسیه و ناتو عمل می‌کند و هم کریدور انتقال قسمت عمده‌ای از انرژی روسیه به اروپا محسوب می‌شود. پیوندهای تاریخی، مذهبی و قومی نیز بر خاص‌بودگی و اهمیت روابط و مناسبات مسکو-کی‌یف می‌افزاید. حضور گسترده پیروان کلیسای ارتدوکس و روس‌تبارها و روس‌زبانان در شرق اوکراین، این منطقه را تبدیل به «روسیه‌ای کوچک» نموده است. بیهوده نیست که در قرن‌های ۱۸ و ۱۹، تزارهای روسیه، اوکراینی‌ها را "روسی‌های کوچک" می‌نامیدند (Subtelny, 2000:165).

اوکراین پس از انحلال اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ به استقلال دست یافت. با وجود

استقلال اوکراین، اما نفوذ سیاسی و اقتصادی روسیه در این کشور همچنان به قوت خود باقی مانده است. مسکو مصمم شد تا مطمئن شود که با وجود هرگونه تغییر سیاسی در کی‌یف، اوکراین روابط خوب خود با روسیه را حفظ خواهد کرد. دیدگاه‌های اخیر روسیه در مورد اوکراین تاحدی نقطه اوج نارضایتی روسیه از نتیجه جنگ سرد را نشان می‌دهد. در سال ۲۰۰۵، ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی را "یک فاجعه ژئوپلیتیک بزرگ" خواند. رهبران روسیه همچنین تأکید کرده‌اند که ملت‌های منطقه پسا شوروی باید منافع روسیه را حفظ کنند. آن‌ها این دیدگاه را با حق ادعایی در مورد محافظت از شهروندان روسی و "هموطنان" (افرادی که از نظر زبان، فرهنگ، یا قومیت با روسیه مرتبط هستند) توجیه می‌کنند. علاوه بر این، طبق نظر بسیاری از کارشناسان، اوکراین از لحاظ روانشناسی از جایگاه ویژه‌ای نزد روسیه برخوردار است. پوتین شهروندان اوکراین را "برادران" مردم روسیه نامیده است. روس‌ها اغلب به این نکته اشاره می‌کنند که اجداد آن‌ها برای الحاق کریمه و بسیاری دیگر از مناطق اوکراین به امپراطوری و نیز به منظور حفظ این منطقه در قلمرو امپراطوری (و جانشین آن یعنی اتحاد جماهیر شوروی) خون‌های زیادی را در طی چندین جنگ اهداء کرده‌اند (Morelli, 2017: 31). این ویژگی‌ها موجب شد که سیاستمداران روسی یک اوکراین مستقل را قبول نکنند و درصدد نفوذ در این کشور برآیند. از طرف دیگر، اوکراین نیز خواستار حاکمیت و استقلال سیاسی در برابر همسایه قدرتمند شرقی خود است و لذا به سمت غرب و نهادهای یورو آتلانتیکی^۱ گام برداشته است و این مهم باعث شده که روسیه به مخالفت با تلاش‌های یک‌جانبه‌گرایانه کی‌یف برای نزدیکی با غرب بپردازد (Kappeler, 2014: 108) و درک هر گام به سمت یکپارچگی اقتصادی یا نظامی کشورهای خارج نزدیک خود با غرب را یک تهدید ژئوپلیتیک می‌داند (Popescu, 2014: 1). تا زمان فروپاشی دولت یانوکوویچ^۲ در فوریه ۲۰۱۴، روسیه استفاده از روش‌های غیرمستقیم نفوذ در اوکراین را ترجیح می‌داد. این اقدامات شامل "سیاست تشویق" از جمله اعطای وام با شرایط

1. Euro Atlantic
2. Yanukovich

مناسب و یا معاملات تجاری سودآور با سیاستمداران و الیگارش‌های اوکراین، و یا "تنبیه" از قبیل اعمال تحریم‌های اقتصادی و استفاده از رسانه‌های روسی (که هنوز در اوکراین محبوب می‌باشند) برای فشار به رهبرانی که با روسیه همکاری نمی‌کردند، بود (Morelli, 2017: 39). تمایلات اوکراین برای جذب شدن در ساختار دولت‌های غربی، نگرانی عمده روسیه از بابت اوکراین است. ادغام و یکپارچگی اوکراین در ساختار دولت‌های غربی می‌تواند توازن استراتژیک را در اروپا بر هم بزند و تمایلات روسیه را برای کنترل اوراسیا با چالش روبه‌رو کند. گسترش ناتو به شرق، مهمترین استراتژی کشورهای اروپایی، به ویژه آمریکا برای جذب کشورهای اروپای شرقی، از جمله اوکراین در ساختار کشورهای غربی است. ناتو در میان مردم و نخبگان سیاسی اوکراین ۲۰۱۶ از محبوبیت زیادی برخوردار است (Safari & Vosoughi, 2016: 125). بعد از بحران اوکراین و جنگ گرجستان و روسیه، ناتو و متحدان آن بر آن شدند که از تهدید روسیه جلوگیری کنند. ژنرال جان دانفورد یکی از مقامات ارشد نیروی دریایی آمریکا، در این مورد بیان داشت: "اکنون بزرگترین تهدید امنیتی اروپا و مناطق مورد نفوذ ناتو، روسیه می‌باشد". ناتو بعد از این تنش‌ها از طرق مختلف از جمله عملیات‌های اطلاعاتی^۱، سایبری^۲، نفوذ سیاسی در مناطق حساس از جمله آسیای مرکزی که مورد توجه مسکو است و نیز اقدامات اقتصادی در تلاش است تا از نفوذ روسیه و قدرت‌گیری مجدد آن جلوگیری کند (Sharkov, 2018: 23). از طرفی، در دکترین نظامی مصوب سال ۲۰۱۰، گسترش ناتو یا "انتقال زیرساخت‌های نظامی کشورهای عضو ناتو به مجاورت مرزهای فدراسیون روسیه" یکی از مهمترین خطرات خارجی برای امنیت روسیه محسوب می‌شود. این مسأله در مورد "ساخت و استقرار سیستم‌های دفاع موشکی استراتژیک نیز صدق می‌کند. تمام این نگرانی‌ها به عنوان خطرات جدی در این سند رده‌بندی شده‌اند. به همین ترتیب، "استراتژی امنیت ملی فدراسیون روسیه تا سال ۲۰۲۰" بر مخالفت طولانی مدت این کشور با افزایش قدرت پیمان آتلانتیک و طرح آن برای انتقال زیرساخت‌های نظامی خود در مجاورت مرزهای

1.Gen. John Dunford
2.Intelligence Operations
3.Cyber

روسیه و همچنین تلاش‌های ناتو برای ایفای نقش جهانی در سطح امنیتی را مورد تاکید قرار می‌دهد (Ondrejcsak, 2016: 23). این نشان‌دهنده اهمیت اوکراین در سطح کلان رقابت‌های راهبردی بین روسیه و غرب به رهبری آمریکا است، زیرا اوکراین جایگاه مهم تأثیرگذاری در ژئوپلیتیک هویتی اروپای شرقی دارد، لذا در صورت پیوستن اوکراین به ناتو احتمال این که مولداوی و گرجستان هم به ناتو بپیوندند افزایش می‌یابد و در نتیجه نفوذ روسیه در اروپای شرقی به حداقل خواهد رسید.

سرگئی لاوروف^۱، وزیر امور خارجه روسیه، بارها اعلام کرده که روسیه تمام تلاش خود را برای جلوگیری از پیوستن اوکراین به ناتو به کار خواهد بست و این فرایند را خط قرمز خود می‌داند. روسیه در بحران اوکراین بر سر موضوع توافق‌نامه آزاد تجاری اوکراین با اتحادیه اروپا، هشدار شدید خود را به عواقب وحشتناک و فاجعه‌آور این اقدام اعلام کرد و از همان ابتدا به کاهش واردات از اوکراین و تهدید به قطع صادرات گاز روی آورد که با الحاق کردن کریمه به خاک خود این خط قرمز را نشان داد (Oguz, 2015: 3). لذا، انرژی به عنوان مهم‌ترین عامل کلیدی در روابط روسیه و اوکراین در حوزه اقتصادی محسوب می‌گردد. اوکراین در سال ۲۰۱۲، بیش از ۶۳ درصد از گاز طبیعی خود و حدود سه چهارم از واردات نفت را از روسیه تأمین کرده است. لذا این وابستگی سبب استفاده اهرمی برای فشار از جانب روس‌ها شده است و با افزایش قیمت و تحریم انرژی برای کی‌یف همانند قطع گاز در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۹ یک بحران را رقم زده است (Woehrel, 2015: 9). آسیب‌پذیری اوکراین در برابر فشار سیاسی روسیه از طریق سیاست انرژی تاحدی به خاطر این واقعیت کاهش یافته است که خط لوله اصلی انتقال نفت و گاز طبیعی روسیه به اروپا و اروپای غربی از خاک اوکراین عبور می‌کند. در سال ۲۰۱۴، حدود ۴۰ درصد از گاز طبیعی روسیه از اوکراین به مقصد اروپا صادر شده است. تلاش‌های گذشته روسیه برای افزایش قابل توجه قیمت گاز صادراتی به اوکراین موجب بحرانی شد که قطع گاز روسیه به اروپای غربی در ژانویه ۲۰۰۶ را برای چندین روز در پی داشت. بحران دوم گازی در ژانویه سال ۲۰۰۹ اتفاق افتاد و منجر به قطع گاز به مدت حدوداً

سه هفته شد. در سال‌های اخیر، روسیه در تلاش برای تحت فشار قرار دادن اوکراین در زمینه خطوط لوله، با چندین کشور اروپایی مذاکره کرد تا خطوط لوله‌ای را احداث کنند که از مرزهای اوکراین عبور نکند (Morelli, 2017: 45). لذا، روسیه از گاز طبیعی به عنوان یک سلاح سیاسی علیه اوکراین برای تغییر سیاست‌های آن در قبال غرب استفاده می‌کند. روسیه همچنان ادعای برتری و حتی حق تعیین سرنوشت کشورهای حاضر در حوزه خارج نزدیک را به مانند دوره اتحاد شوروی برای خود حفظ و خود را ضامن ثبات این جغرافیا می‌داند (Herd, 2007: 97). پس از فراندوم در کریمه، پوتین در سخنان خود بارها اهمیت شهر بندری سواستوپول^۱ را برای روسیه مورد تأکید قرار داد. پوتین این شهر را "پایگاه اصلی ناوگان دریای سیاه روسیه" توصیف کرد. اهمیت شهر بندری سواستوپول هم نظامی و هم اقتصادی است که با قدرت روسیه مرتبط است. لذا سعی بر حفظ و نگهداری شهر بندری سواستوپول و همین‌طور امنیت ناوگان دریای سیاه از عوامل مهم و استراتژیک تعارض فعلی بین اوکراین و روسیه محسوب می‌شود. از آنجایی که روسیه سعی بر گسترش نفوذ و تسلط خود بر ناوگان دریای سیاه داشته است، اهمیت استراتژیک پایگاه دریایی بیشتر نمود پیدا می‌کند. بنابراین، افزایش بیش از ۸۰ کشتی جنگی جدید تا سال ۲۰۲۰ در دستور کار مسکو قرار گرفته است (Klotz, 2017: 270-271). رهبران و مقامات روسی و نیز اسناد امنیتی این کشور، آنچه که در اوکراین اتفاق افتاد را بخشی از توطئه غرب در جهت تضعیف امنیت روسیه با ایجاد دشمنان ایدئولوژیک در امتداد مرزهای روسیه می‌دانند. پوتین در ۱۸ مارس ۲۰۱۴، در سخنرانی خود در دومای روسیه اظهار داشت: «آنها (غرب) مکرراً در حال تلاش برای منزوی کردن روسیه هستند... در اوکراین، شرکای غربی ما از خط قرمز عبور کرده و به شکلی غیرمسئولانه و غیرحرفه‌ای عمل می‌کنند...» (Dehghani Fezirozabadi & Moradi, 2016: 47).

اوکراین به عنوان بزرگترین جمهوری اتحاد جماهیر شوروی پس از روسیه، چالش‌برانگیزترین کشور برای استراتژی روسیه مبنی بر احیاء مجدد اتحاد جماهیر شوروی تحت رهبری کرملین است. مقام‌های کرملین همواره تلاش کرده‌اند تا اوکراین به جای پیوستن به اتحادیه اروپا به

عضویت اتحادیه گمرکی اوراسیا درآید. به خاطر اهمیت سیاسی، اقتصادی، جمعیتی و استراتژیک اوکراین و همچنین پیوندهای تاریخی و فرهنگی آن با روسیه، ادغام کی‌یف در طرح‌های پیشنهادی کرملین از جمله مشارکت در اتحادیه اوراسیایی هدف اولیه کرملین به شمار می‌رفت (Menkiszak, 2016:3). پوتین در اکتبر ۲۰۱۱ پیش از بازگشت دوباره به کاخ کرملین، در مقاله‌ای در روزنامه ایزوستیا تأکید کرد؛ اتحادیه اوراسیایی باید یکی از قطب‌های دنیای نو باشد و به عنوان پلی کارآمد میان اروپا و منطقه پویای آسیا و اقیانوسیه عمل کند (Koolai & Abedi: 2018: 19). از این رو، با نبود اوکراین پوتین رؤیاهای خود برای بنای دوباره روسیه بزرگ‌تر را بر باد رفته خواهد دید. اوکراین با ارزش‌ترین عامل در تحقق رؤیای پوتین است. مشارکت اوکراین برای طرح اوراسیا اهمیت حیاتی دارد.

از دید راهبردی، اوکراین در کانون تمرکز مسکو قرار دارد. در صورتی که اوکراین از کنترل و نفوذ روسیه خارج شود و با پذیرش ارزش‌ها و الگوهای غربی در تقابل با روسیه قرار گیرد، هویت روسیه با چالش روبه‌رو می‌شود. دور کردن هویت تاریخی - ژئوپلیتیکی روسی از حوزه خارج نزدیک و محاصره ژئوپلیتیکی این کشور در درون مرزهای جغرافیایی خود سبب تنزل قدرت اوراسیایی‌اش به آسیایی می‌شود که خلاف هویت نئو اوراسیاگرایی حاکم بر سیاست‌های روسیه است. این روند نشان می‌دهد که در پس مناقشه اوکراین، تاریخی از تنش امنیتی و رقابت استراتژیک روسیه و غرب وجود دارد. این تنش و رقابت، معادلات منطقه‌ای را متأثر می‌سازد و می‌تواند در سطح منطقه‌ای به جنگ سرد یا صلح سرد منجر گردد. تا آنجا که تقابل بین غرب و روسیه، موضوعیت داشته باشد، منطقه پیرامون روسیه، عرصه رقابت مسکو با بروکسل و واشنگتن قرار می‌گیرد و در صورت تداوم بحران اوکراین، احتمال جنگ سرد منطقه‌ای وجود دارد. یادآوری می‌شود که سیاست خارجی مطالبه‌گر پوتین در پی بازگرداندن تصویر ابرقدرتی مسکو است و روسیه انقلاب‌های رنگی را برنامه‌ای برای شکل‌دهی مجدد به نظم جهانی از طرف غرب و بحران اوکراین را نتیجه تقلای نهادهای غربی از جمله ناتو برای نزدیک شدن به مرزهای روسیه می‌داند. واکنش روسیه به غرب را باید بخشی از تلاش کرملین برای متحدسازی دوباره دولت‌های شوروی سابق دانست که دامنه آن برخی کشورهای

خاورمیانه و آسیا را نیز در بر می‌گیرد و لذا می‌توان آن را کوششی در جهت اتحادیه اوراسیایی نامید (Magen & others, 2014: 66) که در راستای سیاست‌ها و اهداف بلندمدت مسکو و متحدان منطقه‌ای آن مؤثر خواهد بود و موازنه قدرت را در منطقه به نفع کرملین و هم‌پیمانان آن شکل خواهد داد. از این رو، مسکو معتقد است که اوکراین در نوک پیکان تقابل روسیه با غرب قرار دارد و اگر کی‌یف به اتحادیه اروپا ملحق شود، سایر کشورهای حوزه شوروی سابق نیز به تدریج از حوزه نفوذ کرملین خارج خواهند شد. در واقع، پیوستن اوکراین به اتحادیه اروپا، نه تنها روسیه را با ناتو هم‌مرز می‌کند، بلکه عملاً طرح ولادیمیر پوتین برای تشکیل بلوکی به رهبری مسکو را به خطر می‌اندازد. زیرا اگر اوکراین از این بلوک ژئوپلیتیک خارج شود، فقط کشورهای استقلال‌یافته شوروی سابق که اکثراً حکومت‌های دیکتاتوری دارند، در آن حضور خواهند داشت. بی‌شک چنین امری برای وجهه بین‌المللی اتحادیه اوراسیایی پوتین مطلوب نخواهد بود. در این راستا، مسکو خواهان دولتی روس‌گرا در اوکراین است و لذا کشوری غرب‌گرا و عضو ناتو را تحمل نخواهد کرد.

۸. تأثیر بحران اوکراین بر روابط آمریکا و روسیه

اقدام نظامی روسیه در الحاق کریمه و بی‌ثبات کردن اوکراین تأثیر بسزایی بر روابط آمریکا و روسیه گذاشته است. برای بسیاری در غرب، بحران اوکراین تصویری نگران‌کننده از حکومت پوتین به نمایش گذاشت؛ عدم ارج نهادن به کثرت‌گرایی سیاسی، آمادگی از بین بردن نیروهای مخالف از طریق تبلیغات و احتمالاً سرکوب قهرآمیز، تصمیم برای دفاع از آنچه پوتین به عنوان منافع حیاتی روسیه قلمداد می‌کند با کمک گرفتن از هرگونه ابزاری از جمله؛ استفاده از زور، تصرف سرزمینی و اقدامات بی‌ثبات‌کننده همچون تحریک و هدایت روس‌گرایان در کشورهای همجوار (Guluzian, 2017: 1-2). تعارض گسترده آمریکا و روسیه در رابطه با اقدامات روسیه در اوکراین و الحاق شبه‌جزیره کریمه در خلأ شکل‌نگرفت، چرا که محیط مستعدی برای حیات یافتن آن وجود داشت. بیان این‌که «روابط روسیه و آمریکا همچنان بر روی کلید اتوماتیک دوران جنگ سرد» می‌باشد، نشان از این واقعیت دارد که دو کشور کماکان رویکرد تهاجمی در قبال یکدیگر دارند که بارزترین نمود آن در بحران اوکراین به منصف ظهور رسیده است (Dehshiar,

110-112: 2014) به گونه‌ای که با دخالت و حضور خود در تحولات اوکراین، بر پیچیدگی هرچه بیشتر اوضاع در این کشور افزوده‌اند.

از نظر ترامپ، روسیه متحد طبیعی آمریکا در مبارزه با تروریسم در جهان است. پوتین رهبری مقتدر و قابل احترام است و آمریکا باید به دنبال بازسازی روابط با مسکو و گسترش آن باشد. واشنگتن این آمادگی را دارد که در سوریه با مسکو همکاری نزدیکی داشته و در کنار همدیگر به جنگ با افراط‌گری بپردازند. همچنین در اوکراین و سایر مناطق جهان همکاری دو کشور می‌تواند بسیار مفید و مؤثر باشد (DeYoung & Rucker, 2017: 13). همکاری میان مسکو و واشنگتن در قالب مبارزه با تروریسم در افغانستان پس از وقوع حملات ۱۱ سپتامبر و همچنین همکاری دو کشور برای نابودی داعش در سوریه و عراق در این راستا قابل ارزیابی است. در این رابطه باید گفت؛ اگرچه آمریکا با تشکیل ائتلافی بین‌المللی، در کنار روسیه و ایران، به حملات هوایی علیه مواضع داعش در سوریه و عراق پرداخت، ولی این اقدام واشنگتن بیشتر اقدامی تناقض‌آمیز، نمایشی و صوری بود. از سویی دیگر، شکل‌گیری ائتلاف مقاومت به رهبری ایران برای مبارزه با گروه تروریستی داعش با رویکردی تدافعی قابل ارزیابی است که با هدف حفظ حاکمیت و تمامیت ارضی این کشورها انجام می‌پذیرفت. از نگاه مسکو، نقش واشنگتن در تضعیف بازیگری روسیه در منطقه و تشویق دولت‌های پیرامون روسیه به پیوستن به نهادهای غربی، مانعی در راه روابط دو جانبه کرملین و کاخ سفید به شمار می‌رود (Kanet, 2010: 215-216). روسیه برای حدود سه سال است که به سبب تصرف کریمه و کمک به جدایی‌طلبان شرق اوکراین با تحریم‌های هوشمند قدرت‌های غربی مواجه است. این تحریم‌ها آثار فلج‌کننده شدیدی بر اقتصاد روسیه داشته است. در نتیجه همین تحریم‌هاست که روسیه از مقام یک کشور دارای بیشترین ذخیره ارزی در حال تبدیل به یک کشور مقروض است. قبل از انضمام کریمه، ذخیره ارزی روسیه رقمی در حدود ۱۷۴ میلیارد دلار بوده که این میزان در سال ۲۰۱۵ به ۲۰ میلیارد دلار کاهش یافته بود. بی‌گمان با توجه به روند تمدید بسته‌های تحریمی از سوی اروپا و کاهش دامنه‌دار قیمت نفت، این رقم در حال حاضر به کمترین حد خود رسیده است. گفتنی است که نرخ رشد اقتصادی روسیه نیز طی سال گذشته حدود ۳,۶ درصد افت داشته

است (Zendebudi and others, 2017: 75).

در نهایت این که؛ به رغم اصرار واشنگتن بر حمایت از دولت غربگرای کی‌یف، اما مسکو بر این مسأله تأکید دارد که آمریکا نمی‌تواند از اوکراین برای باج‌خواهی از روسیه استفاده کند. در این زمینه سرگئی ریابکوف^۱، معاون وزیر امور خارجه روسیه، در ژوئن ۲۰۱۷ اعلام کرد: «مسکو حاضر است مذاکرات دوجانبه با واشنگتن در رابطه با اوکراین را آغاز کند، اما باج‌خواهی و اعمال تحریم‌ها هرگز در مورد روسیه کارآمد نخواهد بود». تأکید دوباره روسیه درباره امکان مذاکره با آمریکا بر سر اوکراین با توجه به مواضع اخیر دونالد ترامپ ابراز شده است. دونالد ترامپ در اواخر مه ۲۰۱۷ شرط رفع تحریم‌ها علیه روسیه را تغییر موضع این کشور در قبال بحران اوکراین اعلام کرد. ترامپ که در مبارزات انتخاباتی گفته بود، اوکراین در اولویت سیاست خارجی دولت وی قرار ندارد، ظاهراً تصمیم گرفته است، از اوکراین بعنوان برگ برنده در مذاکرات با مسکو استفاده کند. از دیدگاه مقامات آمریکایی تا زمانی که مسکو مفاد توافقنامه "مینسک ۲" ناظر به حل بحران شرق اوکراین را به اجرا در نیاورد، باید فشارهای تحریمی علیه روسیه حفظ شود. حتی در صورتی که بتوان از طریق فشارهای مداوم علیه روسیه به مناقشه در اوکراین پایان داد، آمریکا باید اطمینان حاصل کند که خطوط ارتباطی با مسکو را هم به عنوان بخشی از روند کلی دیپلماتیک در قبال اوکراین و هم مبنایی برای مشارکت اساسی بیشتر در آینده باز نگه دارد. یکی از جنبه‌های مخرب بحران روابط آمریکا و روسیه، تعلیق کانال‌های ارتباطی موجود از جمله کمیسیون دوجانبه ریاست جمهوری و تعاملات منظم نظامی می‌باشد. با توجه به بسته شدن کانال‌های ارتباطی و ضرورت یافتن یک راه‌حل برای بحران اوکراین، ایجاد یک کانال ارتباطی فرعی با کرملین باید یکی از اولویت‌های اصلی کنونی واشنگتن باشد. در عین حال، همکاری‌های غیررسمی، از جمله در سطح مسیر ۲، باید گسترش یابد تا پارامترهای مورد نیاز برای احیای روابط آمریکا و روسیه پس از پایان این بحران جدی مورد بحث قرار گیرد (Mankoff & Kuchins, 2015: 9).

۹. نتیجه‌گیری

اوکراین به دلیل برخورداری از ویژگی‌های خاص فرهنگی، هویتی و اقتصادی مستعد تنش و بحران داخلی میان شرق و غرب این کشور بوده است. بحران اوکراین، هم‌اکنون ابعاد گسترده منطقه‌ای و بین‌المللی به خود گرفته است که می‌توان دلیل آن را علاوه بر عوامل داخلی، زائیده رقابت و دخالت قدرت‌های خارجی مانند روسیه و غرب به رهبری آمریکا دانست. این بحران در سال ۲۰۱۴ زمینه واگرایی روسیه و اوکراین و از سوی دیگر همگرایی اوکراین با غرب را فراهم آورد. با روی کار آمدن یک دولت غرب‌گرا در کی‌یف در سال ۲۰۱۴، مقامات جدید اوکراین خواهان ادغام در نهادهای غربی به ویژه ناتو و اتحادیه اروپا شده‌اند؛ اما این روند با مخالفت آشکار مسکو به ویژه در بعد نظامی مواجه شده است. روسیه به عنوان مهمترین همسایه اوکراین، بزرگترین مخالف عضویت اوکراین در ناتو است. روس‌ها استقرار ناتو در کشورهای همسایه خود یعنی کشورهای حوزه خارج نزدیک بویژه اوکراین را به مثابه عبور از خط قرمز مسکو و موجب به خطر افتادن امنیت ملی روسیه تلقی می‌کنند. از سویی دیگر، خواسته اصلی دولت غرب‌گرای اوکراین، گسترش روابط با آمریکا به عنوان سردمدار بلوک غرب است. هر چند روابط اوکراین و آمریکا در دوره ریاست جمهوری باراک اوباما روندی رو به توسعه را طی کرده بود، با این حال، با روی کار آمدن دونالد ترامپ و تمایل آشکار وی برای بهبود روابط آمریکا و روسیه (با توجه به حمایت ادعایی مسکو از وی در جریان مبارزات انتخاباتی آمریکا)، دولت غرب‌گرای کی‌یف با احتیاط بیشتری با دولت جدید آمریکا برخورد کرده بود. اما تحولات اخیر بویژه تصویب بسته تحریمی جدید علیه روسیه در کنگره آمریکا و سپس تبدیل آن به قانون با امضای ترامپ، موجب افزایش خوش‌بینی کی‌یف شد و روابط واشنگتن - مسکو را تحت تأثیر قرار داد. نهایتاً اینکه، دولت ترامپ در مناقشه میان روسیه و اوکراین به حمایت همه‌جانبه از مقامات غرب‌گرای کی‌یف پرداخته است و کمک‌های نظامی خود به کی‌یف را افزایش داده است. هدف اصلی واشنگتن تضعیف هر چه بیشتر جناح روسی حوزه خارج نزدیک روسیه با خارج کردن اوکراین از مدار نفوذ مسکو است. مسلماً این خواسته واشنگتن در تعارض کامل با امنیت ملی و تمامیت ارضی روسیه قرار دارد.

۱۰. قدردانی

نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از معاونت پژوهشی دانشگاه اصفهان در خصوص حمایت‌های صورت گرفته به جهت انجام این پژوهش قدردانی نمایند.

Reference

1. Blinken, Antony J. (OCT 4, 2017), "Time for the Trump Administration to Arm Ukraine", the New York Times, Available at: <https://www.nytimes.com/2017/10/04/opinion/trump-ukraine-russia.html>
2. Bowden, John (2017), "Trump gives green light to selling lethal arms to Ukraine", thehill, Available at: <http://thehill.com/policy/international/365906-trump-administration-approves-lethal-arms-sales-to-ukraine>.
3. Brzezinski, Zbigniew (1997), *The Grand Chessboard: American Primacy and its Geostrategic Imperatives*, US: Basic Books.
4. Dandadish, Parvin (2007), "Geopolitical discourse in Central Asia: Interaction between Iran and Russia", *Geopolitical Quarterly*, 3(1), 75-96 [In Persian].
5. Dehghani Fezizozabadi, Seyed Jalal & Manuchehr Moradi (2016). The west threat, Russia's perception, and the Ukrainian crisis. *Foreign Relations Quarterly*, 8(2), 25-55 [In Persian].
6. Dehshiar, Hossein (2014), "The roots of the US-Russian confrontation in the Ukraine crisis", *World Politics Quarterly*, 3(2), 161-190 [In Persian].
7. DeYoung, Karen & Rucker Philip (2017), "Details of Trump-Putin call raise new White House leak concerns", *The Washington Post*, 9 February.
8. Dickinson, Peter (January 3, 2018), "President Trump One Year On: Better for Russia or Ukraine?", *Atlantic council*, Available at: <http://www.atlanticcouncil.org/>
9. Financial Times (December 23, 2017), "Trump to supply Ukrainian military with weapons", Available at: <https://www.ft.com/content/b872e268-e7ea-11e7-bd17-521324c81e23/>
10. Ghaderi- Hajat, Mostafa & Hamid- Reza Nosrati (2012), "Geopolitical goals of Regional And Trans-Regional Powers In Central Asia", *Geopolitics Quarterly*, Vol. 8, No. 2, pp. 63- 95 [In Persian].
11. Guluzian, Christine (2017), "Book Forum: The Ukraine Crisis and U.S.-Russian Relations", available at: www.cato.org/blog.
12. Hafeznia, Mohammad Reza (2000), "A new definition of geopolitics", *Geographical Research Journal*, 58(59) [In Persian].
13. Hafeznia, Mohammad Reza (2005), "Geopolitics: A philosophical survey", *Geopolitical Quarterly*, 1(1), 25-44 [In Persian].
14. Hafeznia, Mohammad Reza (2014), *Geopolitical principles and concepts*, Mashhad: Papeli Publications, fourth edition [In Persian].
15. Haltiwanger, John (2017), "Trump 'Oblivious' To 'Dangers' Russia Poses in Ukraine, Former U.S. Ambassador Says", *Newsweek*, Available at:

- <http://www.newsweek.com/trump-oblivious-dangers-russia-poses-ukraine-former-us-ambassador-says-756157/>
16. Herd, Graeme P. (2007), "Russia's Trans Policy: Means, Ends and Great Power Trajectories, from: Russia; Re-emerging Great Power, by Roger E. Kanet, University of Miami, USA: Palgrave Macmillan.
 17. Islami, masoud & ali shamsabadi (2018), "the Causes behind appointment of Kurdistan Regions Separation Referendum", *Geopolitical Quarterly*, 14(51), pp. 63-94 [In Persian].
 18. Kanet, Roger E. (2010), "From the "New World Order" to "Resetting Relations": Two Decades of US-Russian", in: Roger E. Kanet (ed), *Russian Foreign Policy in the 21st Century*, New York: Palgrave Macmillan.
 19. Kappeler, Andreas (2014), "Ukraine and Russia: Legacies of the imperial past and competing memories", *Journal of Eurasian Studies*, 5(2), 107-115.
 20. Keremzadi, Moslem & Fahimeh Khansari-Fard (2014), The study of Ukrainian-Russian relations: Rooting of the grounds for the crisis of 2014. *Journal of Central and Caucasus Studies*, 20(86), 135-159 [In Persian].
 21. Klotz, Maximilian (2017), "Russia and the Ukrainian Crisis: A Multiperspective Analysis of Russian Behaviour, by Taking into Account NATO's and the EU's Enlargement", *Croatian International Relations Review*, pp. 259-287.
 22. Koolai, Elahe & Afifeh Abedi (2018), "Geopolitical components of Russian foreign policy", *Geopolitical Quarterly*, 4(1), pp. 1-25 [In Persian].
 23. Luhn, Alec (December 21, 2017), "Donald Trump approves deal for US to sell sniper rifles to Ukraine, angering Russia", *the Telegraph*, Available at: <https://www.telegraph.co.uk/news/2017/12/21/donald-trump-approves-deal-us-sell-sniper-rifles-ukraine-angering/>
 24. Magen, Zvi & Olena Bagno-Moldavsky & Sarah Fainberg (July 2014), "The Ukrainian Crisis and the Middle East", *Strategic Assessment*, Vol. 17, No. 21.
 25. Mearsheimer, John J. (2014), "Why the Ukraine crisis is the West fault. The Liberal delusions that provoked Putin", *Foreign Affairs*, No. 93, [http:// www.foreignaffairs.com/articles/141769/john-j-mearsheimer/why-the-ukraine-crisis-is-the-west-fault](http://www.foreignaffairs.com/articles/141769/john-j-mearsheimer/why-the-ukraine-crisis-is-the-west-fault) (accessed 25 November 2015).
 26. Menkiszak, Marek (2016), "Russia's Long War on Ukraine", *Transatlantic Academy Paper Series*, at: www.transatlanticacademy.org/sites/default/files/publications/MenkiszakRussiasLongWarFeb16web.pdf.
 27. Mir-Taher, Seyed Reza, "The US and the Striving for widespread presence in Ukraine", *Fars News Agency*, Sep. 3, 2017, available at <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13960611001849>. [In Persian]
 28. Mojtahedzadeh, Pirooz (2004), *Political geography and geographical politics*. Tehran: SAMT. [In Persian].
 29. Morelli, Vincent L. (2017), "Ukraine: Current Issues and U.S. Policy",

- Congressional Research Service, 7-5700, www.crs.gov , RL33460
30. Nownezhad, Mohammad & Morteza Karimi (2017). Russia-US confrontation in Ukraine and its influence on Iran's national interests. *International Relations Studies Quarterly*, 41, 145-175 [In Persian].
31. Office of Political and International Studies (2009), *Green book of Ukraine* (First Edition), Tehran: Ministry of Foreign Affairs.
32. Oguz, Safak (2015), "Nato's Mistakes That Paved The Way For Russia-Ukraine Crisis", *Karadeniz Arařtırmaları* (45).1-12
33. Ondrejcsak, Robert (2016), "Us policies Towards Russia In The light Of War In Ukraine: From Engaging A "Cooperative Power" To Defensive Containment Of Regional 'Challenger'", *stratpol*, pp .13- 32
34. Plano, Jack C. & Olton Roy (1998), *The International Relation Dictionary*, Fourth Edition, Longman.
35. Popescu, Nicu (2014), "First lessons from the Ukrainian Crisis", *European Union Institute for Security Studies Alert*, (41).
36. Raphelson, Samantha (2018), "Simmering Conflict' In Eastern Ukraine Remains At An Impasse", *wpsu*, JAN 10, Available at: <http://radio.wpsu.org/post/simmering-conflict-eastern-ukraine-remains-impasse>.
37. "Russia's anger, Europe's panic, Ukrainian pleasure", *Taadol Newspaper*, Dec. 25, 2017, No. 547, URL: <http://www.taadolnewspaper.ir>.
38. Safari, Asgar & Saeed Vosoughi (2016), Ukrainian geopolitics and its role in the Russia-US competition. *International Journal of Political Research*, 22, 109-136 [In Persian].
39. Savchenko, Volodymyr (2007), "The Puzzle of NATO-Ukraine Relations: The importance of images in Ukraine's Bid for NATO Membership", M. A. Thesis, Naval postgraduate school, Monterey, California. 1-80.
40. Sharkov, demien (2018), "Russia's Military Expansion Makes it Greatest threat to Europe and NATO Must Defend it, Saysu. s. General", Available at: <http://www.newsweek.com/russias-military-expansion-makesitgreatest-threathurope-nato-782114>, Accessed on: 19/3/2018.
41. Shoaib, Bahman (2015), "The impact of the Ukrainian crisis on the relationship between Russia and the United States", *Journal of Strategic Studies of the Islamic World*, 16(61), 43-78.
42. Subtelny, Orest (2000), *Ukraine: A History*, University of Toronto Press.
43. Taylor, Peter J. (1993), *Political Geography*, Longman Scientific, Third Edition, England.
44. Torabi, Qasem & Fariba Kiani (2014). Explaining Russia's foreign policy toward the Ukrainian crisis from the viewpoint of structural defensive realism. *Central Asian and Caucasus Quarterly*, 20(87), 1-32 [In Persian].
45. Ukraine; Achilles heel for the restoration of Russia's relations with the West, *Etelaat Newspaper*, March 9, 2017, No. 26677.

46. Unikaite- Jakuntaviciene, Ingrida & Rita Matulkaite (2017), "The Ukraine Crisis Reflections in the Speeches of USA and Russian Political Leaders", *Slovak Journal of Political Sciences*, Volume 17, 2017, No. 3 – 4, 342- 299.
47. Welt, Cory (November 1, 2017), *Ukraine: Background and U.S. Policy*, Congressional Research Service, 7-5700, www.crs.gov. R45008.
48. Woehrel, Steven (2015)," *Ukraine: Current Issues And U.S. Policy*", Congressional Research Service, February 12.
49. Wozniak, Michał (2017), "The Ukraine Crisis and Shift in us Foreign Policy", *International Studies*, 18 Feb, Volume 18: Issue 2, pp 87–102.
50. Yazdani, Enayatollah, Ainehand, Hassan & Abolfazl Bagheri Azhiey (2016). *The role of the United States and Russia in the geopolitical crises of Georgia and Ukraine*, *World Politics Quarterly*, 5(4). 261-295 [**In Persian**].
51. Yousefi Saraf, Ahamd (2017), "US and Russian confrontation in Ukraine", *Analytical Database - Quds News Online*, Dec. 26, 2017, URL: <http://qudsonline.ir/news/580763/> [**In Persian**].
52. Zendebedi, Abbas Ali & Shahrouz Ebrahimi & Mahnaz Goudarzi (2017), "Western-Russia relations in the light of Ukraine's 2014 developments", *International Relations Studies Quarterly*, 10(39), 59-82 [**In Persian**].